

An Analysis of the Asymmetric Warfare Model in the Security Doctrine of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf

Hematolah Shmouli¹ Mohammad Ali Basiri² Sadrolah Huosini Belyan³ Ahmad Banafi⁴

Abstract

The aim of this research is to identify and analyze the asymmetric warfare model in the security doctrine of the Islamic Republic of Iran in response to the potential threats in the Persian Gulf. This research addresses the question of what is the asymmetric warfare model in Iran's security doctrine in the Persian Gulf. Therefore, the research hypothesis is as follows: Due to the asymmetry in military capabilities in terms of quantity and quality between Iran and its adversaries, including the United States, in the Persian Gulf region, Iran has adopted an asymmetric warfare method as a component of its security doctrine, which involves using military tools such as speedboats, mines, and cruise missiles. Through this method, Iran seeks to achieve the necessary deterrence for itself. The findings of this research indicate that Iran has chosen this method of war due to its constraints and necessities, and that this method has resulted in deterrence, self-sufficiency, self-reliance, structural change, and ultimately a change in the enemy's strategy. In this research, the researchers have used the theories of "asymmetric warfare" as a theoretical framework. The study of books, articles, dissertations, and scientific and military documents available has also been utilized. The nature of this research is descriptive and partly explanatory, and the data collection method is documentary library.

Keywords: Iran; Deterrence; Persian Gulf; Security Doctrine; Asymmetric Warfare.

-
1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Defense and Security, Research Center for Police, Security and Social Studies, Faraja Institute of Science and Technology, Tehran, Iran. hshamouli@gmail.com
 2. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran Basiri360@gmail.com.
 3. Master of International Relations Graduate, University of Isfahan, Isfahan, Iran. h.seya@yahoo.com
 4. PhD in Political Science Graduate, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz City, Iran. ahmadbanafi61@gmail.com

تبیین الگوی جنگ نامتقارن در دکترین امنیتی ج.ا.ایران در خلیج فارس

همت اله شمولی^۱ | محمدعلی بصیری^۲ | صدراله حسنی بلیانی^۳ | احمد بنافی^۴

۸

سال پنجم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۴/۰۵

صص: ۵۸-۳۱

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



چکیده

هدف این پژوهش، شناخت و تبیین الگوی جنگ نامتقارن در دکترین امنیتی ج.ا.ایران در مقابل تهدیدات احتمالی پیش رو در خلیج فارس می‌باشد؛ این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که الگوی جنگ نامتقارن در دکترین امنیتی ایران در خلیج فارس چیست؟ لذا فرضیه پژوهش بدین صورت تدوین شده است که به دلیل عدم تقارن در توانمندی‌های نظامی از حیث کمی و کیفی میان ایران و کشورهای معارض از جمله آمریکا در منطقه خلیج فارس، شیوه جنگ نامتقارن در قالب استفاده از ادوات جنگی همچون قایق‌های تندرو، مین و موشک‌های کروز از سوی ایران به‌عنوان رکن دکترین امنیتی اتخاذ شده که از رهگذر کاربست آن، ایران سعی دارد بازدارندگی لازم را برای خود به ارمغان بیاورد. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده این است که ایران به دلیل محدودیت‌ها و الزامات، این شیوه جنگ را انتخاب نموده و بهره‌گیری از آن باعث تولید بازدارندگی، خودکفایی، خوداتکایی، تغییر ساختار و نهایتاً تغییر در استراتژی دشمن شده است. در این پژوهش، محققان از تئوری‌های «جنگ نامتقارن» به‌عنوان چارچوب نظری استفاده نموده‌اند. از مطالعه کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و اسناد و مدارک علمی و نظامی در دسترس نیز استفاده شده است. ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی و بعضاً تبیینی، و شیوه گردآوری داده‌ها نیز اسنادی کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: ایران؛ بازدارندگی؛ خلیج فارس؛ دکترین امنیتی؛ جنگ نامتقارن.

DOR: 20.1001.1.25386328.1402.5.8.2.4

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه دفاعی-امنیتی، پژوهشکده نظامی، امنیتی، اجتماعی، پژوهشگاه علوم نظامی و مطالعات

اجتماعی فراجا، تهران، ایران. hshamouli@gmail.com

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. Basiri360@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. h.seya@yahoo.com

۴. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، گروه، علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

ahmadbanafi61@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

از آنجایی که اتخاذ تدابیر دفاعی در هر کشور وابسته به دکترین دفاعی مناسبی است که در پاسخ به ماهیت تهدیدات آینده تدوین می‌شود و همچنین با توجه به مجموعه تحولات پرشتاب کنونی همچون حضور آمریکا در اطراف مرزهای ایران - که محیط بلافضل امنیت ملی ایران را با ناامنی مواجه ساخته - تعیین راهبردهای کلان دفاعی - امنیتی جدید برای پاسخگویی به این تهدیدات نوظهور ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. مجموعه تحولات پرشتاب پیش‌آمده و ورود متغیرهای متعدد در صحنه امنیتی کشور به‌ویژه تجربه جنگ افغانستان و عراق، فرماندهان سطوح بالای نظامی را به این جمع‌بندی رسانده تا از الگوها و روش‌های کلاسیک موجود در اداره جنگ فاصله گرفته و با در نظر گرفتن مجموعه تغییرات محیطی، ویژگی‌های ارتش آمریکا و به‌ویژه تجربه جنگ‌های افغانستان و عراق، الگوی جدیدی را اتخاذ نمایند.

در تعریف دیگری از تهدید نامتقارن می‌توان گفت که هر تهدیدی که نامتناسب باشد، از قبیل خطر حمله یک گروه کوچک به یک کشور بزرگ یا حمله چند تن از افراد که هزاران نفر را می‌کشند، به‌عنوان یک تهدید نامتقارن توصیف می‌شود (Pinder, 2006:4)؛ از این رو می‌توان گفت تهدیدات نامتقارن، به آن دسته از تهدیدات گفته می‌شود که در آن نقاط حساس کشور - که به آن‌ها چندان توجهی نمی‌شود یا از آمادگی محدود برای مقابله با آن تهدید برخوردار است - مورد حمله قرار می‌دهند (Bruce, 1999:12). مفهوم جنگ نامتقارن برای نخستین بار رسماً در گزارش بررسی دفاعی چهارسالانه آمریکا در سال ۱۹۹۷ میلادی مورد استفاده قرار گرفت و دانشگاه پدافند ملی این کشور در برآورد استراتژیک سالیانه خود در سال ۱۹۹۸ میلادی، یک فصل کامل را به تهدیدات نامتقارن اختصاص داد و به موازات آن، این مبحث در پروژه قرن جدید آمریکا، در دستور کار نئومحافظه‌کاران این کشور قرار گرفت (ازدری، ۱۳۸۶: ۵).

با بررسی پیشینه نظری موضوع مورد پژوهش به متون و مقالاتی در این رابطه خواهیم رسید که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

«وین کیو بون»^۱ (۲۰۰۲) در کتابی تحت عنوان ابعاد جنگ نامتقارن^۱ به بررسی ابعاد و سطوح راهبردی، عملیاتی و بین‌المللی جنگ‌های نامتقارن با تأکید بر جنگ ناتو بر ضد یوگوسلاوی در

1 Wyn Q. Bowen

کوزوو پرداخته است و این مسئله را بیان می‌نماید (Wyn Q. Bowen, 2002, 52-60). «کلینتون جی آنکر»^۲ و «مایکل در بورکپ»^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «دکترین جنگ نامتقارن»^۴ که در مجله نظامی میلیتاری ریویو به چاپ رسید به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند (Clinton J. Ancker, 2003: 2). سنبلی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر عوامل روانی و فرهنگی در جنگ نامتقارن» به بررسی این مقوله پرداخته است. طارمی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران» به بررسی نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران پرداخته است. مزروعی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ نامتقارن در آینه تئوری آشوب» به رابطه جنگ نامتقارن با آشوب پرداخته است. تولایی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «دکترین صحنه عملیات دفاعی مردمی» به بررسی نظری صحنه عملیات دفاع مردمی در قالب جنگ نامتقارن پرداخته و ویژگی صحنه عملیات دفاع مردمی را تشریح و اهداف و ابزار و روش‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

تهدیدات نظامی از این رو مورد تأکید است که در صورت تبدیل تهدیدات بالقوه به بالفعل آثار و نتایج آن بسیار زیاد و خردکننده خواهد بود (کالینز، ۱۳۸۰: ۳۵)؛ به همین منظور می‌توان به این نکته اشاره کرد که بر اساس اصل دفاع مشروع از خود و نابرابری در مقابل قدرت تهدیدزا در منطقه خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران نیازمند اتخاذ تدابیر و راهبردهایی است که قابلیت بازدارندگی داشته باشد. به نظر می‌رسد یکی از عناصر اصلی در دکترین امنیتی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از الگوهای دفاعی امنیتی نامتقارن باشد. دشمن سعی دارد تا از طریق ابزارهای عملیات روانی خود، افکار عمومی در ایران را متوجه هزینه‌ها و پیامدهای ناشی از جنگ نماید و می‌کوشد القا کند که در رویارویی نظامی با آمریکا، شکست ایران قطعی خواهد بود.

لذا ضرورت این پژوهش ایجاب می‌کند تا افکار عمومی، نخبگان و سیاست‌مداران متوجه عملیات روانی دشمن شده و از طریق مطالعه این پژوهش با اهمیت جایگاه قدرت ایران در خلیج فارس و کارآمدی جنگ نامتقارن به عنوان بهترین شیوه مقابله با تهدیدات پیش‌رو آشنا شوند.

1 The Dimensions of Asymmetric Warfare

2 Clinton J. Ancker

3 Michael D, Burke

4 Doctrine for Asymmetric Warfare

پیشینه پژوهش

درک تفاوت‌های کلی پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌هایی که در حوزه خشونت سیاسی به‌طور عام و منازعات نامتقارن به‌طور خاص صورت پذیرفته است، نیازمند نگاهی مختصر به محتوای آثار موجود و بیان نقاط قوت و ضعف آن‌هاست. البته نکته قابل تأمل این است که با وجود پژوهش‌های انجام‌شده به زبان انگلیسی، مقالات اندکی به زبان فارسی در حوزه منازعات نامتقارن نگاشته شده است. با نگاهی گذرا به ادبیات موجود پیرامون بحث منازعات نامتقارن، چند دسته از آثار را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد:

درک تفاوت‌های کلی پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌هایی که انجام شده به چهار دسته تقسیم می‌شود که به‌صورت خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود:

نخستین دسته آثاری هستند که گرچه منازعات نامتقارن را محور بحث و مطالعه خود قرار داده‌اند، اما با محدود کردن بررسی خود به منطقه یا ناحیه‌ای خاص، تنها به ریشه‌ها، روندها و نتایج این پدیده در محدودهای خاص اشاره کرده‌اند. پیامد طبیعی این نوع مطالعه، غفلت از توجه به ماهیت منازعات نامتقارن به‌عنوان پدیده‌های کلان است که تقریباً امنیت تمامی جوامع را در دوران گذار نظام بین‌الملل تحت‌الشعاع قرار داده است (Hoffman, 1999:11).

دومین دسته از ادبیات مرتبط با منازعات نامتقارن، مربوط به آثاری است که با نگاهی تقلیل‌گرایانه، پیامدهای این پدیده را صرفاً متوجه امنیت و منافع ایالات‌متحده کرده و با فرض نظام بین‌الملل به‌عنوان نظامی تک‌قطبی تلاش برای خارج کردن آمریکا از این جایگاه را هدف جنگجویان نامتقارن می‌دانند. ویژگی پژوهش حاضر آن است که راهکارهای ارائه‌شده برای مواجهه با منازعات نامتقارن با توجه به ویژگی‌های ارزشی و نظامی خاص غرب و ایالات‌متحده ارائه می‌شود. همچنین، باوجود آنکه کشورهای در حال توسعه بعضاً خاستگاه این نوع از تحرکات بوده‌اند، با این حال، این دسته از جوامع خود نیز از زیان‌ها و پیامدهای این تحرکات مصون نمانده و در معرض آثار آن قرار دارند (Bridges, 1997:87).

سومین دسته تعداد زیادی از محققین انتشار مقاله «ایوان آرگین تافت»^۱ در فصلنامه امنیت بین‌المللی در سال ۲۰۰۱ را به‌عنوان نخستین اثر علمی می‌دانند که پدیده منازعات نامتقارن را

به طور خاص مورد توجه قرار می‌دهد. با وجود آنکه این اثر توانسته است ابعاد این نوع از خشونت‌ها را مورد بررسی قرار دهد، اما عدم اشاره به آینده و راهکارهایی که کشورهای درگیر آن بتوانند با بهره‌گیری از آن‌ها آثار منازعات نامتقارن را کاهش دهند، باعث شده است تا از جامعیت آن کاسته شود. «شان کی» (۲۰۰۵) نیز در کتاب «امنیت جهانی در قرن بیست‌ویکم» این پدیده را چونان یکی از معضلات امنیتی قرن بیست‌ویکم مورد اشاره قرار می‌دهد، اما در ارائه راهکار نمی‌تواند مسیری مشخص را به صورت جامع ارائه دهد (Brown, 1997: 194).

چهارمین دسته از آثار موجود نیز با ضعفی کلی عدم اشاره به تقسیم‌بندی‌ها و ماهیت دقیق منازعات نامتقارن همراه‌اند. باین وجود، برخی نویسندگان همانند «دیوید گرنج» (۲۰۰۰) سعی کرده‌اند روش‌ها و ملاحظات جدیدی را در ارتباط با منازعات نامتقارن مورد توجه قرار دهند، اما در ماهیت‌شناسی و بررسی ابعاد این پدیده نتوانسته‌اند خود را از نگاه یک‌سویه غربی برهانند. «راد ثورنتون» (۲۰۰۷) نویسنده دیگری است که در اثر تفصیلی خود پیرامون منازعات نامتقارن، ضمن پیروی از روش گرنج، به انواع منازعات نامتقارن و ویژگی‌های آن اشاره‌ای نکرده و تلاش داشته تا در تبیین آن‌ها، نگاهی یکسان‌نگر (عدم تفاوت در ماهیت متفاوت آن‌ها) به تمامی آن‌ها داشته باشد (Kay, 2005, 227).

سؤالات پژوهش

۱. الگوی جنگ نامتقارن در دکترین امنیتی ج.ا.ایران در خلیج فارس چیست؟
۲. جنگ نامتقارن در دکترین امنیتی ج.ا.ایران چه شاخص‌هایی دارد؟
۳. عناصر جنگ نامتقارن در دکترین امنیتی ج.ا.ایران چیست؟
۴. نمونه‌های موفق استفاده از جنگ نامتقارن در دکترین امنیتی ج.ا.ایران کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها و منابع آن به روش کتابخانه‌ای اسنادی و با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی و مراجعه به اسناد مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شده است.

مبانی نظری

جنگ نامتقارن^۱

امروزه ادبیات موجود در زمینه‌های راهبردی و دفاعی بر مفهوم جنگ نامتقارن تأکید بسیاری دارند. این امر نه تنها در کشورهای پیشرفته بلکه در کشورهای توسعه‌نیافته نیز مورد توجه قرار گرفته است. اندک تأملی در کتب و مقالات موجود در این زمینه و همچنین نگرشی مختصر به مراکز و مؤسسات پژوهشی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، نشانگر آن است که اهمیت این موضوع بسی فراتر از آن چیزی است که در تصور نخست به ذهن انسان خطور می‌کند. در مجموع می‌توان سه سطح عملیاتی، نظامی و بزرگ را در بین سطوح استراتژی از یکدیگر تشخیص داد (حسینی، ۱۳۹۹: ۲۴).

سون تزو^۲ نویسنده کتاب ۲۵۰۰ ساله «هنر جنگ» حتی در زمان چین باستان نیز از ارزش جنگ نامتقارن - چگونگی برتری نیروهای کوچک‌تر مانند پارتیزان‌ها یا پهپادهای امروزی بر نیروهای بزرگ‌تری مانند ارتش‌های معتبر یا جت‌های جنگنده - آگاه بود. او همچنین می‌دانست که «باید برای دشمن راه فراری باقی گذاشت» و به‌درستی توصیه می‌کرد که «یک دشمن مأیوس و دلسرد را به‌سختی تحت فشار قرار ندهید».

درستی هر دوی این آموزه‌ها اکنون از سوی ایران به اثبات رسیده است. راهبرد «فشار حداکثری» ترامپ، اگر چه در مواردی باعث عدم پیشرفت ایران شده است؛ اما نتوانسته است این کشور را به انزوای کامل بکشاند. در واقع آمریکا تهران را وادار کرده با روش‌های نامتعارفی که مقابله با آن‌ها دشوار است به این سیاست پاسخ بگوید و رهبران آن درحالی که راه فراری ندارند از بازگشت به گفت‌وگوها امتناع می‌کنند.

1 Asymmetric Warfare

2 Sun Tzu

ایران آسیب‌پذیری اقتصاد جهانی را ثابت کرد. توماس جونئو^۱، استاد دانشگاه روابط عمومی و بین‌المللی اتاوا با اشاره به این نکته می‌گوید: «شیوه بازدارندگی ایران این چنین است». وی در ادامه می‌افزاید: «یکی از ستون‌های کلیدی دکترین دفاعی تهران ارسال مداوم پیام به ایالات متحده و هم‌پیمانان و شرکای منطقه‌ای آن است».

آرون اشتاین^۲، دبیر برنامه خاورمیانه در موسسه پژوهشی سیاست‌های خارجی فیلادلفیا در این باره می‌گوید: «ایالات متحده نمی‌خواهد بپذیرد که ایران از اهرم برخوردار است و ما همواره بر مبنای شرایط آن‌ها بازی می‌کنیم». وی می‌افزاید: «آن‌ها به درستی دریافته‌اند که ما در براندازی نظام دخالت نخواهیم کرد؛ بنابراین با ریسک‌پذیری بیشتری بازی می‌کنند. آن‌ها دشواری‌های اقتصادی را احساس می‌کنند اما نظام با بهره‌مندی از مزایای ممتاز یک زورآزمایی غیرمستقیم، ایمن است».

بنابراین این پژوهش با توجه به اینکه در پی یافتن الگوی دکترین جنگ نامتقارن ج.ا.ایران است؛ بهترین گزینه برای چارچوب نظری پژوهش، استفاده از تئوری‌های جنگ نامتقارن می‌داند. محققان این پژوهش، با توجه به ویژگی‌ها و عناصر تأثیرگذار در جنگ نامتقارن که پیش‌ازین برشمرده شد، به بررسی الگوی آن در دکترین دفاعی ج.ا.ایران در خلیج فارس می‌پردازند.

ویژگی‌های جنگ نامتقارن

بیان ویژگی‌های جنگ نامتقارن کمک شایانی به شناخت بهتر جنگ نامتقارن نموده و نشان می‌دهد که طرف ضعیف با چه ویژگی‌هایی می‌تواند بر طرف قوی فائق آمده و به واسطه آن، او را به چالش بکشد. در ادامه به بخشی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۱. جنگ نامتقارن به دنبال دستیابی و شناخت آسیب‌های دشمن یا به نوعی هدف می‌باشد؛^۲ تهدیدهای نامتقارن اغلب بسیار متنوع و چندبُعدی هستند؛^۳ جنگ نامتقارن به دنبال تضعیف اراده دشمن برای جنگیدن است؛^۴ در جنگ نامتقارن مؤثر بودن هدف و اقدام اهمیت دارد؛^۵ در جنگ نامتقارن، هدف این است که هیچ سهمی برای طرف مقابل در نظر گرفته نشود؛^۶ در جنگ نامتقارن، اندیشه گروهی به‌سختی در چارچوب تعیین‌شده و دیوان‌سالاری گسترده قرار می‌گیرد؛

1 Thomas Juneau

2 Aaron Stein

۷. یکی از ویژگی‌های بسیار برجسته در جنگ نامتقارن، کسب نتایج راهبردی در تمام سطوح جنگ است؛ ۸ در جنگ نامتقارن برخلاف جنگ کلاسیک، بین نیروهای نظامی و غیرنظامی تمایزی وجود ندارد؛ ۹. در جنگ نامتقارن باید به ملاحظه‌های فرهنگی و اختلاف نظر و دیدگاه کشور توجه جدی نمود تا زمینه‌های سوء برداشت فراهم نشود؛ ۱۰. یکی از وجوه جنگ نامتقارن پرهیز از رویارویی مستقیم و جنگ است؛ ۱۱. در جنگ نامتقارن یکی از اصول برتری حمله به متحدان کشور برتر است (معاونت آموزش سپاه، ۱۳۸۴: ۹۲).

اهداف جنگ نامتقارن

۱. ایجاد غافل‌گیری در سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی؛ ۲. دستیابی به تأثیرات روانی و میل اراده جنگجویی دشمن؛ ۳. پیگیری فروپاشی ساختارهای اقتدار دولت با کمترین هزینه؛ ۴. استفاده از تسلیحات و سلاح متفاوت با شیوه‌های مرسوم عملیاتی دشمن؛ ۵. اتخاذ شیوه‌های ابتکاری که دشمن نتواند خود را با آنها هماهنگ کند یا تطبیق دهد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۵).

عناصر اصلی جنگ نامتقارن

برای جنگ نامتقارن مانند هر جنگ دیگر، مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی منحصربه‌فردی وجود دارد که می‌تواند به عنوان وجه افتراق و تفاوت با سایر مبارزات در کاربرد و به کارگیری شیوه‌های مختلف آنان در نظر گرفته شود که از مهم‌ترین این عناصر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ابتکار، نوآوری و خلاقیت؛ ۲. خوداتکایی و خودکفایی؛ ۳. انعطاف‌پذیری؛ ۴. ایجاد تحرک؛ ۵. فریب و غافلگیری؛ ۶. تمرکز اطلاعاتی؛ ۷. بهره‌گیری از جغرافیا؛ ۸. عدم قطعیت؛ ۹. فرسایش؛ ۱۰. متمرکز علیه مواضع ویژه؛ ۱۱. قابلیت در عرصه‌های مختلف؛ ۱۲. حفظ توان؛ ۱۳. اتکای به مردم؛ ۱۴. انسان‌محوری.

جنگ نامتقارن از منظر جمهوری اسلامی ایران

در ادبیات نظامی تعاریف و ویژگی‌های متفاوتی را برای جنگ نامتقارن بیان شده است. این اصطلاح و مفهوم با توجه به میزان توانایی و موقعیت مکانی هر کشوری دارای ویژگی‌ها و مشخصات و مختصاتی می‌باشد. در دیدگاه رهبران ج.ا.ایران نیز این مفهوم دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در کنار بهره‌گیری از آموزه‌های دینی که آن را سرلوحه مبارزات خود قرار داد، از تجربه دو مقطع زمانی جنگ نامتقارن در طول حیات خود برخوردار بود و هندسه ذهنی ایشان از جنگ، عملاً از ترکیب دو عنصر دین و تجارب مبارزاتی تشکیل شده بود. شروع مبارزات ایشان با رژیم پهلوی از سال ۱۳۴۲ که جنبه فیزیکی و عملی به خود گرفت، از نوعی عدم تقارن برخوردار بود. به‌رحال قدرت رژیم شاه از حیث نظامی و امنیتی در مقابل قدرت نظامی امام و انقلابیون نابرابر بود. تجربه گران‌بهای امام در طول درگیری با رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری ایشان، الگوی جدید مبارزاتی را خلق کرد که نمود عینی آن در جنگ تحمیلی جنبه راهبردی و کلان به خود گرفت و مبنای دکترین دفاعی امنیتی ایران را تشکیل داد. تجربه مبارزاتی نامتقارن امام و دیدگاه‌های دینی ایشان در طول جنگ تحمیلی، همواره سرلوحه رزمندگان و نظامیان در عرصه جنگی و میدان جنگ قرار گرفت و فصل جدیدی از دکترین نظامی را برای ج.ا.ایران و استراتژیست‌های نظامی باز نمود. برخی از کلیدواژه‌های دیدگاه‌های ایشان به‌عنوان زیربنا و اصول حاکم بر جنگ نامتقارن ایران عبارت‌اند از: توجه به اصل معنویت، شهادت‌طلبی، تکلیف‌مداری و توجه به نقش مردم.

دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب، معنای جنگ نامتقارن را برخوردار از منابع مختلف با هویت‌های مختلف می‌داند و ضمن تأکید بر در حال جنگ نامتقارن بودن ایران با استکبار جهانی، ابزارهای جنگ نامتقارن ایران را توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی و اعتماد به قدرت انسان برمی‌شمارند. ایشان همچنین جنگ نامتقارن را جنگ اراده‌ها می‌دانند. ایشان در دیدار مورخ ۱۳۹۵/۴/۵ در جمع خانواده‌های معظم شهدای هفتم تیر، دو عنصرایمان به خدا و اعتقاد به جهاد را به‌عنوان دو منبع اصلی جنگ نامتقارن میان جمهوری اسلامی ایران و جبهه استکبار معرفی کردند و تکیه و تداوم این عناصر دوگانه را رمز پیروزی ملت ایران دانستند. ایشان در مورد قدرت نامتقارن ج.ا.ایران می‌فرمایند: «درمقابله با دشمنان مستکبر این‌جوری باید برخورد کرد. دشمنان مستکبر، از این حقیقت بی‌خبرند؛ در محاسباتشان نمی‌توانند این را بفهمند. در مورد جنگ نامتقارن شنیده‌اید؛ معنای جنگ نامتقارن این است که یکی از نیروهای دو طرف از امکاناتی برخوردارند که آن طرف

مقابل دستش از آن امکانات کوتاه است؛ نوعشان، شیوه‌شان، امکاناتشان، حتی گاهی منابع قدرت در هر طرفی برای طرف مقابل ناشناخته است؛ این جنگ نامتقارن است. آن‌ها نمی‌دانند چه قدرتی در ایمان به خدا و در اعتقاد به جهاد وجود دارد؛ آثارش را می‌بینند، درست نمی‌توانند تحلیل کنند؛ لذا به اقدامات دیوانه‌وار دست می‌زنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵)

رهبر انقلاب اسلامی همچنین در سخنرانی خود به مناسبت سوم خرداد، سالروز فتح خرمشهر در دانشگاه تربیت پاسداری امام حسین (ع) معنای جنگ نامتقارن را بر خورداری از منابع مختلف با هویت‌های مختلف برشمردند. ایشان می‌فرمایند: «ایران و غرب در حال انجام یک جنگ نامتقارن است؛ جنگ نامتقارن یعنی دو طرف امکاناتی دارند که با هم متفاوت است. یک سری امکانات یک طرف دارد و یک سری امکانات طرف دیگر دارد که دیگری ندارد. ما در حال انجام جنگ نامتقارن با استکبار هستیم. ممکن است او یک سری امکانات داشته باشد که ما نداریم و ما یک سری امکانات داریم که او ندارد و این امکانات عبارت‌اند از توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی و اعتقاد به قدرت اراده انسان مؤمن. در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که دارند می‌جنگند. در میدان جنگ اراده‌ها را ضعیف و دچار تزلزل نکنید. نگذارید تبلیغات دشمن بر اراده شما اثر بگذارد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵)

یافته‌های پژوهش

اهمیت و شرایط محیطی خلیج فارس و تنگه هرمز در جنگ نامتقارن

ویژگی‌هایی چون عمق کم، خورها، جزایر متعدد، شرایط جوی، وضعیت دریا در طول سال، ترانزیت انرژی و کالا، موقعیت گذرگاهی، اسکله‌ها، سکوها و پایانه‌های نفتی و گازی و... از عواملی هستند که منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز را برای جنگ نامتقارن مناسب‌تر می‌نماید. هرچند تنگه هرمز به‌عنوان تنها راه ورود و خروج به خلیج فارس همواره به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید علیه غرب مطرح بوده ولی در دست داشتن کل سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز و در اختیار داشتن جزایر مشرف بر آبراه اصلی ورودی و خروجی و بهره‌گیری از تاکتیک‌ها و عملیات‌ها و اصول جنگ نامتقارن، قدرت‌های متخاصم به‌ویژه آمریکا را با چالش‌های جدی مواجه نموده و نابرابری نظامی را با اتخاذ این ظرفیت‌ها متوازن نموده است.

«مایکل کانل»^۱ مدیر برنامه مطالعات ایران در اندیشکده مرکز ارزیابی دریانوردی آمریکا در این باره معتقد است: «جغرافیا یکی از عناصر کلیدی در برنامه‌ریزی نیروهای دریایی ایران به شمار می‌رود. فضای محصور خلیج فارس که عرض آن در برخی نقاط به کمتر از ۱۰۰ مایل دریایی می‌رسد، قابلیت مانور شناورهای سطحی بزرگ نظیر ناوهای هواپیمابر را محدود می‌سازد. این وضعیت اما یک نقطه قوت برای نیروهای دریایی ایران و به‌ویژه نیروی دریایی سپاه پاسداران است. ساحل شمالی خلیج فارس پر از تورفتگی‌های صخره‌ای است که مکانی ایده‌آل برای استتار و عملیات قایق‌های کوچک به شمار می‌روند».

«رابرت کاپلان»^۲ در کتاب خود با عنوان «انتقام جغرافیا» در ارتباط با خطوط ساحلی ایران آورده است: «خورها، خلیج‌های کوچک و جزیره‌های موجود در خطوط ساحلی ایران مکان‌هایی عالی برای پنهان کردن قایق‌های تندرو و انتحاری نابودکننده نفت‌کش‌ها هستند». کاپلان می‌توانست به پنهان کردن سیستم‌های موشکی زمین‌پایه در این مکان‌ها نیز اشاره کند (سایت الف، ۱۳۹۴: ۵). خلیج فارس به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی که در فوق به آن اشاره شد، محیط و صحنه‌ای مناسب برای جمهوری اسلامی ایران است تا با استخدام جنگ نامتقارن و بهره‌گیری از ویژگی‌های این محیط از حیث ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و به‌کارگیری تاکتیک‌های رزمی نامتقارن به نقاط آسیب‌پذیر طرف قوی‌تر از حیث توانایی تسلیحاتی نظامی ضربه بزند. باید توجه داشت که قدرت‌های دریایی در خلیج فارس، بیشتر از شیوه رزم کلاسیک بهره می‌برند و این شیوه مستلزم به‌کارگیری تجهیزات بزرگ دریایی از قبیل شناورهای بزرگ - که می‌بایست به‌صورت گروهی و دست جمعی تردد نمایند - و در کنار آن نیاز به پایگاه‌های دریایی وسیع و متمرکز برای پهلوگیری، تعمیر و نگهداری در خلیج فارس می‌باشند. تجربه نشان داده است که شناورهای بزرگ در محیط دریایی با جغرافیای محدود و کم‌عمق، قدرت مانورشان به حداقل می‌رسد و بسیار آسیب‌پذیر هستند. شرایط جغرافیایی خلیج فارس باعث شده که قدرت مانور این شناورها به‌شدت کاهش پیدا کرده و لاجرم به دلیل محدودیت‌های محیطی از مسیرها و کانال و آبراه از قبل تعیین شده خصوصاً در بخش‌های جنوبی خلیج فارس تردد نمایند.

1 Michael Connell

2 Robert S. Kaplan

مؤلفه‌های دانش و فناوری در جنگ نامتقارن

یکی از مؤلفه‌هایی که باعث می‌شود طرفین جنگ در شرایط نامتقارن قرار گیرند، دانش و فناوری است. فناوری چهره جنگ‌های جدید را تغییر داده و در صحنه جنگ می‌تواند متخاصم را سرگردان کند؛ لذا تکیه بر تکنولوژی و فناوری در کنار عامل سرعت و دقت در سامانه‌های تصمیم‌ساز بیشتر از گذشته مدنظر می‌باشد (عصر اطلاعات، ۱۳۹۴: ۳). قدرت‌های بزرگ دریایی تکیه‌گاه اصلی خود را بر روی فناوری‌های نظامی گذاشته‌اند و برتری دانش و فناوری در تجهیزات نظامی را عامل موفقیت در صحنه جنگ قلمداد می‌کنند. به همین منظور تلاش می‌کنند تا در رقابت‌های تسلیحاتی خود همواره از این مؤلفه برای ایجاد برتری نظامی بهره ببرند. عمدتاً ابزارهای و تجهیزات دریایی در شیوه رزم متقارن و نامتقارن یکسان هستند و تنها نقطه افتراق آن‌ها در کیفیت و شیوه استفاده در سازمان رزم است.

ابزارها و تجهیزات جنگ دریایی

به‌طور کلی در رزم دریایی کلاسیک مؤلفه‌های زیادی در صحنه جنگ تعیین‌کننده است؛ اما به‌طور کلی سه مؤلفه اصلی در عملیات‌ها و جنگ دریایی مشارکت دارند که در میان آن‌ها ابزار و تجهیزات از همه مهم‌تر می‌باشند که شامل شناورها و تسلیحات آن‌ها، هواپیما و تسلیحات آن‌ها و هوا دریا و تسلیحات آن می‌باشد (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۵۰)؛ اما در اینجا ما باید بر اساس موضوع پژوهش قضیه را از دیدگاه جنگ نامتقارن نیز مورد بررسی قرار داده و در کنار آن به مؤلفه‌های تسلیحاتی مورد نیاز این جنگ نیز بپردازیم. باید به این نکته توجه داشت که در جنگ نامتقارن فناوری و تجهیزات مورد استفاده چیزی فراتر از موارد فوق نیست و این تجهیزات و فناوری در هر دو نوع از جنگ کلاسیک و نامتقارن جزو مؤلفه‌های اصلی هستند. البته باید این نکته را مدنظر قرار داد که عناصر رزم دریایی در هر دو نوع عملیات دریایی یکسان است و تنها کمیت و کیفیت به‌کارگیری و شیوه‌ها و روش‌های عملیاتی آن‌ها با هم متفاوت است.

سلاح‌ها و تجهیزات نظامی ج.ا.ایران در خلیج فارس

در سال‌های اخیر، فرماندهان نظامی در حوزه دریایی بر خودکفایی خود در سیستم‌های مهم سخت‌افزارهای نظامی و سامانه‌های دفاعی و نقش این تجهیزات را در جنگ‌های نامتقارن تأکید داشته‌اند که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

الف) مین دریایی

کلیه مین‌های دریایی که در اختیار ایران است، سلاح ارزان‌قیمتی در مقابله با دشمن در خلیج فارس و نیز تنگه هرمز محسوب می‌گردد. شناسایی آن‌ها در روی سطح و بستر دریا کار دشواری است و در مقابل تجهیزات سنگین دریایی دشمن، قدرت تخریب و انهدام بالایی دارد. مین‌های دریایی قابلیت فراوانی در جنگ‌های دریایی و مقابله با ناوگان دریایی دشمن دارند. ایران نیز به‌عنوان یکی از نیرومندترین قدرت‌های دریایی نظامی منطقه، هزاران مین دریایی پیشرفته و هوشمند در اختیار دارد که به گفته منابع غربی، به چالشی برای نیروهای آمریکایی تبدیل شده و ابزار دفاعی بسیار مناسبی در بستر دریا برای ایران هستند. به گزارش «مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک آمریکا»^۱ مین‌های ایرانی تهدیدی جدی برای ناوهای هواپیمابر آمریکایی در خلیج فارس و به‌ویژه تنگه هرمز هستند؛ به‌طوری‌که در صورت انفجار، هرکدام از این مین‌ها می‌توانند یک سوراخ بزرگ در بدنه ناو هواپیمابر آمریکایی ایجاد کنند که باعث غرق آن شود (سایت افکار، ۱۳۹۵: ۱۴).

ب) موشک سطح پیما (کروز)

این نوع موشک‌ها که امروزه از حیث کمی و کیفی و تنوع در اختیار نیروهای نظامی ایران در خلیج فارس قرار دارد، یکی از سلاح‌های اثرگذار در گستره عمومی خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان محسوب می‌شود. این موشک‌ها موجب برهم خوردن سیادت دریایی دشمن و انهدام شناورهای نظامی و تجاری شده و قابلیت پرتاب آن از روی سطح، زیر سطح و هوا ارزش‌افزوده‌ای به آن داده است. با استفاده از این سلاح که برد آن عرض خلیج فارس را در برمی‌گیرد می‌توان در سواحل صاف خلیج فارس و تنگه هرمز ایجاد امنیت کرد (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). نیروهای مسلح ایران سرمایه‌گذاری زیادی بر روی این نوع موشک‌ها در خلیج فارس نموده و بنا بر مأموریت‌های محوله در سازمان رزم به کارگیری می‌شود.

ج) موشک بالستیک دریایی

این نوع موشک‌ها از سایت‌های مستقر در زمین و حتی در عمق، سایت‌های مستقر بر روی شناورها رزم سطحی و کشتی‌های سنگین تجاری پرتاب شده و سواحل، بنادر، اهداف شناوری

1 CSIS

سبک و سنگین نظامی و تجاری اعم از ثابت و متحرک در سراسر خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان را هدف قرار داده و منهدم می‌نماید. نکته اصلی در دقت بالای این نوع از موشک‌ها می‌باشد که قابلیت نقطه‌زنی برای اهداف متحرک در دریا را در اختیار قرار می‌دهد. در این خصوص فرمانده نیروی هوافضای سپاه بیان می‌دارد که «امروز موفق شده‌ایم موشک ساحل به دریای بالستیک و نه کروز را که خود یک فناوری پیچیده دارد، تولید کنیم و از فاصله ۷۰۰ کیلومتری ناو و کشتی را مورد هدف قرار دهیم» (حاجی‌زاده، ۲۰۱۸).

د) راکت‌های دریایی

با استفاده از راکت‌های سنگین، متوسط و سبک دریایی می‌توان به راحتی از سواحل و جزایر و شناورهای نظامی و تجاری، اهداف دریایی دشمن در خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان را مورد هدف قرار داد. هرچند این راکت‌ها از دقت بالایی برخوردار نیستند اما برای ایجاد آتش سنگین، ایجاد اختلال و سردرگمی تاثیر بسزایی دارند (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

ه) اژدر راکت

اژدر راکت سلاحی سهمگینی است که در تازش‌های چریکی دریایی می‌تواند علیه ناوگان نظامی و غیرنظامی دشمن در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان از جمله جدی‌ترین تهدیدها محسوب شود. این سلاح قدرت تخریبی بسیار بالایی را دارد و قابلیت پرتاب از هوا، سطح و زیر سطح را دارد. این سلاح در دو نوع می‌باشد که یک نوع آن مستقیم‌زن و نوع دیگر با قابلیت هوشمند و قابلیت رهگیری شناور را دارد. راکت مستقیم‌زن دریایی از سرعت بسیار زیادی برخوردار است و هیچ شناوری در دنیا سرعتی بالاتر از آن را ندارد. این سلاح را موشک زیرسطحی هم می‌نامند.

و) زیردریایی کوچک

این زیردریایی‌های کوچک به سهولت می‌توانند از طریق شناورهای رزمی تندرو و یا جاسازی در کشتی تجاری مورد استفاده قرار گیرد و تا شعاع ۴۰ کیلومتری از مرکز کنترل و فرماندهی، خود دست به عملیات انهدامی به روش نامتقارن بر علیه اهداف ثابت و سیار دشمن بزنند. این سلاح بیشتر کاربرد تاکتیکی دارد (همان).

ز) شناورهای تندرو

قایق‌های تندرو اصطلاحی کامل و عام بوده و با انواع مختلف قدرت آتش موشک و اژدرهایی که بر روی آن سوار می‌شود، معرفی می‌شوند. این شناورها سرعتی نزدیک به ۶۰ نات و ابعادی غیرقابل قیاس با ناو هواپیمابر داشته و قابلیت نصب موشکی که ۱۰۰ متر بر ثانیه در زیر آب حرکت می‌کند، دارد (فدوی، ۱۳۹۱: ۳). توسعه کمی و کیفی این شناورها با تأکید بر موارد زیر اهمیت بالایی در سازمان رزم دریایی ایران به وجود آورده است:

- سطح مقطع کم و غیرقابل شناسایی و هدف‌گیری و حتی المقدور با تحرک، مانور، پایداری و سرعت و قدرت آتش بالا و قابلیت حمل موشک، مین، اژدر و...؛
- کمیت زیاد شناورهای تندرو و تنوع آن‌ها با قابلیت‌های فنی و عملیاتی مناسب به‌جای شناور محدود و گران؛

- ایجاد قابلیت انهدام و تخریب تأسیسات دریایی و ساحلی و شناورهای نظامی و تجاری دشمن؛

- سادگی، بومی و ارزان بودن (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

ح) شناورهای موشک‌انداز

این نوع شناورها که در کلاس‌های مختلفی طراحی و ساخته شده، سلاحی تاکتیکی و کارآمد محسوب می‌شود که می‌توانند به راحتی عرض خلیج فارس را طی نموده و اهداف خود را مورد اصابت موشک قرار دهند. سرعت عمل بالا، قابلیت تحرک بالا و مانور آبی، کم بودن سطح قطع راداری برای عملیات پنهان و اختفا برای عملیات‌های نامتقارن و تازش علیه ناوگان نظامی و تجاری دشمن بر ارزش بالایی این شناورها افزوده است (فدوی، ۱۳۹۱: ۴).

فناوری و تجهیزات جنگ دریایی کلاسیک

عمده‌ترین فناوری‌ها و تجهیزاتی که در جنگ دریایی کلاسیک توسط قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد مشتمل بر چند دسته عمده است که عبارت‌اند از:
۱. زیردریایی استراتژیکی؛ ۲. زیردریایی تاکتیکی؛ ۳. زیردریایی‌های کوچک (مانند وت، چاریوت و میدجت)؛ ۴. یگان‌های جنگ مین دریایی؛ ۵. تسلیحات موشکی؛ ۶. راکت و توپخانه دریایی و ساحلی؛ ۷. انواع اژدر و اژدر راکت؛ ۸. هواپیما و بالگرد (رزمی و ترابری).

مؤلفه‌های کمیت و کیفیت نیروی انسانی (فرهنگی، اجتماعی و نظامی)

نیروی انسانی یکی از مؤلفه‌های اصلی مورد نیاز در یک سیستم نظامی امنیتی است. کمیت و کیفیت نیروی انسانی در صحنه جنگ دو شاخص مهم و اثرگذار بر نتیجه جنگ می‌باشد. ساموئل بی. گریفیت^۱ معتقد است که: «جنگ چریکی برای پیروزی، به عملیات مؤثر ابزارهای پیچیده، سیستم‌های لجستیکی بسیار سازمان‌یافته و با دقت کامپیوترهای الکترونیکی وابسته نیست؛ عنصر اصلی چنین جنگی، نیروی انسانی است که از تمام ابزارهای ماشینی، پیچیده‌تر است. او دارای هوش احساسات و اراده است» (رجب‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۴). کیفیت نیروی انسانی در شیوه‌های مبارزات کلاسیک دریایی با شیوه جنگ نامتقارن تفاوت اساسی دارد؛ از حیث کمیت نیز شیوه‌های کلاسیک مستلزم به کارگیری نیروی انسانی زیادی برای تشکیل سازمان رزم خود است، درحالی‌که در شیوه جنگ نامتقارن به دلیل سازمان رزم ساده و چالاک، اتکا به کمیت جای خود را به کیفیت عوامل انسانی می‌دهد. در این گفتار لازم است نقش نیروی انسانی در دو الگوی مبارزاتی در خلیج فارس را تشریح گردد.

تفاوت در کمیت نیروی انسانی

یکی از ویژگی‌هایی که برای شناورهای رزمی و پشتیبانی در صحنه رزم در دریا مهم است، تعداد نفراتی است که در آن استقرار دارد؛ زیرا اگر شناوری بتواند با تعداد نفرات کمتری همان مأموریت و وظیفه شناور با تعداد نفرات بیشتر را انجام دهد، مسلماً تقدم عملیاتی به لحاظ عواقب ناشی از تلفات و ضایعات انسانی با شناوری است که تعداد نفرات آن کمتر است؛ به این دلیل که کشورها و ملت‌ها و نیروهای مسلح و خصوصاً کشورهای غربی نظیر آمریکا، بر روی تلفات زیاد نیروی انسانی بسیار حساس می‌باشند (بوون، ۱۳۸۳: ۸۶). افزایش شدت تلفات انسانی می‌تواند میزان فعلیت یافتن توان نظامی آن‌ها را در جنگ تضعیف نماید. به همین دلیل، استفاده از این ضعف اساسی دشمن به‌عنوان نقطه قوت یا فرصتی برای عدم شکست در جنگ نامتقارن، یکی از محورهای این‌گونه جنگ‌ها است. هرچند دشمن با نیروی فراوان به پیروزی در جنگ با طرفی کم‌شمار دل می‌بندد، اما با استفاده از راهبردهای جنگ نامتقارن، به‌ویژه اولویت کشتن اعضای نیروهای مذکور و قطع رابطه مادی و معنوی آن‌ها با جمعیت غیرنظامی، فزونی اعضای ارتش که

1 Samuel B. Griffith

قابلیت یک فرصت را دارد و فرصت بالقوه به شمار می‌رود، به صورت تهدید فعلیت می‌یابد (ساعد، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۵).

تفاوت در کیفیت نیروی انسانی

وقتی کشوری الگو امنیتی و دفاعی خود را مبتنی بر جنگ نامتقارن قرار می‌دهد، نیروی انسانی آن در سازمان رزم می‌بایست از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که نیروی کلاسیک کمتر به آن توجه می‌کنند و این در حوزه، دریا بیشتر نمود دارد. نیروها در جنگ نامتقارن می‌بایست «چندمنظوره» یا به نوعی همه‌فن‌حریف باشند. این قابلیت‌ها در ارتش کلاسیک کمتر نظیر دارد و تخصصی شدن حوزه وظایف، عملاً نیروی انسانی را در یک حوزه کارآمد کرده و از سایر حوزه‌ها باز می‌دارد و اتفاقاً در این خصوص هم هزینه‌های نیروی کلاسیک و تعداد نیروی انسانی آن‌ها افزایش می‌یابد. این نیروهای همه‌فن‌حریف یا «چندمنظوره» دارای یک سری ویژگی‌هایی بوده که عبارت‌اند از:

۱. خودکفایی در تصمیم‌گیری در مواقع لزوم؛ ۲. توان جسمی بالا برای مقابله با مقتضیات زمان و مکان؛ ۳. دارای روحیه تکاوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها در شرایط مختلف رزمی؛ ۴. تحمل شرایط سخت بر اساس اعتقاد (نه صرفاً بر اساس توان جسمی)؛ ۵. مایه گذاشتن از جان برای دستیابی به هدف (ایثار و شهادت)؛ ۶. عدم نومی‌دی در جریان عملیات؛ ۷. تکلیف‌گرا بودن (اندیشیدن به انجام تکلیف و نه به نتیجه کار) که البته این امر با مسئله کسب نتیجه منافاتی ندارد. منظور این است که وی باید تکلیف خود را انجام دهد و نتیجه، فرع بر تکلیف است؛ ۸. آشنایی با عملیات دریایی؛ ۹. قابلیت حداکثر بهره‌برداری از منطقه عملیاتی؛ ۱۰. قابلیت برعهده گرفتن نقش متعدد و متفاوت (مثلاً یک فرمانده شناور رزمی تندرو باید این قابلیت را داشته باشد که در صورت هدف قرار گرفتن سکانی، تیربارچی و مسئول موتوری، بتواند نقش همه آن‌ها را ایفا نماید (پیک دانش، ۱۳۹۴: ۲). این ویژگی‌های فوق کیفیت نیروی انسانی را در نیروی دریایی نامتقارن ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز نسبت به نیروی کلاسیک دریایی متخاصم افزایش داده و به نوعی این امر جبران‌کننده عدم توازن در کمیت نیروی انسانی طرفین شده است (مزروعی، ۱۳۸۵: ۶۸-۴۹).
- در دکترین نامتقارن دریایی ایران، ویژگی‌های هیجانی باعث می‌شود که فرد با انگیزه و قدرتمندانه تهییج شده و وارد میدان کارزار و عمل شود و به انجام وظیفه پردازد؛ ولی ویژگی‌های

ذهنی باعث می شود که فرد با ایجاد خلاقیت و ابتکار دست به چه کاری بزند و چگونه آن را انجام دهد. به عبارت دیگر با ویژگی های هیجانی فرد وارد میدان شده و با ویژگی های ذهنی، فرد تلاش می کند که چه کاری را چگونه انجام دهد. بدیهی است که ویژگی های هیجانی و ذهنی بر هم اثر می گذارند و موجب تقویت یکدیگر می شوند. از آنجاکه در این بخش، مؤلفه های فرهنگی و اجتماعی مدنظر نگارنده بوده - که موجب ارتقاء کیفی نیروی انسانی می شود - لذا از تشریح ذهنی که بیشتر معطوف به ابداع و خلاقیت، یادگیرندگی و انعطاف پذیری و تا حدودی ناظر به اصول جنگ نامتقارن می باشد، صرف نظر کرده و در بخش بعد (عملیاتی) به آن پرداخته می شود.

از دیگر مؤلفه های کمیت و کیفیت نیروی انسانی عبارت اند از:

(ب) برتری روحیه: روحیه عبارت است از کیفیت انگیزه، اعتقادات، تفکرات و رضایت مندی فردی در اجرای مأموریت (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

(ج) اطاعت از رهبری و فرماندهی: پیروزی در جنگ زمانی به دست می آید که تمام واحدهای عمل کننده دارای انسجام وحدت و هماهنگی باشند؛ این امر ممکن نیست مگر آنکه تمام نیروها از یک منشأ واحد دستور بگیرند و خود را جزئی از کل بدانند؛ همچنین ایمان داشته باشند که سعادت و بهروزی آنان در گرو اطاعت از فرماندهی آگاه و داناست و می بایست دستورات او دقیقاً اجرا شود (بابایی اصل، ۱۳۹۲: ۷۰۵).

(د) شجاعت و فداکاری: یکی از مؤثرترین عوامل انسانی، ویژگی شجاعت و فداکاری است. اگر شجاعت و فداکاری که بارزترین نمونه آن عملیات های شهادت طلبانه است، وجود داشته باشد، رزمنده تن به جنگ های نابرابر با دشمن مجهز و قوی می دهد و این مهم جز با روحیه شجاعت و فداکاری میسر نمی گردد (افروز، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

(ه) صبر و استقامت: با توجه به نابرابری تجهیزات، تسلیحات، امکانات تبلیغاتی و حتی احتمالاً نابرابری حقوقی که همه چیز به نفع طرف قدرتمندتر است، لزوم بهره گیری از صبر و استقامت بسیار ضروری می باشد.

(و) خطر پذیری معقول و حساب شده: تصمیم گیری در یک محیط جنگ، تصمیم گیری در شرایط عدم اطمینان و ریسک می باشد؛ زیرا شرایط و محیط عملیاتی به دقت قابل پیش بینی

نیست. از این رو نمی‌توان انتظار داشت که نتیجه اقدامات مشابه، مشابه باشد. در چنین شرایطی تغییرپذیری و عدم اطمینان، فضای نتایج را احاطه نموده است (مرادپیری، ۱۳۸۲: ۵۰).

مؤلفه‌های سازمانی، عملیاتی و تاکتیکی

تفاوت جنگ آینده با گذشته این است که در جنگ آینده زمان کوتاه، تعامل و برخورد با دشمن مستمر، درگیری‌های شدید و قطعی، تحرک و چالاکي، یک اصل است و فرصت بازسازی درون صحنه وجود ندارد؛ در صورتی که در جنگ گذشته، دوره‌های غیرفعال بود که در آن فرصت بازسازی و تحرک فراهم بود (رمضانی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). به نظر می‌رسد جنگ‌های آینده بیشتر از نوع جنگ نامتقارن باشد که در آن جنگ نابرابر، دو قدرت یا دو کشور خواهد بود که اراده خود را مبنی بر جنگ استوار کرده و طرف ضعیف‌تر راهی جز سازش سیاسی یا مقاومت نظامی پیش روی خود ندارد که با فرض بر مقاومت نظامی و شکل‌گیری رویارویی با قدرت نظامی قوی‌تر با بهره‌گیری از نوآوری در روش‌ها، طرح‌ریزی عملیاتی استفاده از تاکتیک‌های و تکنیک‌های رزمی و امکانات بومی به جنگ خواهد پرداخت. این طرح‌ریزی‌ها و بهره‌گیری از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های رزمی نامتقارن می‌بایست در منطقه عملیاتی صورت گیرد. در اینجا لازم با توجه به موضوع تحقیق ابتدا منطقه عملیات دریایی تشریح شود.

منطقه عملیات دریایی

منطقه عملیاتی از حیث ویژگی‌ها و اوصاف آن با منطقه عملیاتی در زمین، تفاوت اساسی دارد. این امر باعث شده که میان عملیات‌های زمینی و دریایی تفاوت وجود داشته باشد. در منطقه عملیات زمینی، گستردگی عوارض و خطوط مواصلاتی و تدارکاتی و سهل‌الوصول بودن آن‌ها، معابر وصولی فراوان و آزادی عمل بیشتر در انتخاب آن‌ها، وجود اختفاء و پوشش طبیعی کاملاً مناسب، وجود عوارض مشرف به دید و تیر و سایر متغیرهای دیده‌بانی، باعث می‌شود تا تصمیم‌گیری برای انتخاب راهکارهای اجرای عملیات، از قابلیت مانور بالایی برخوردار باشد. توجه به این ویژگی‌ها در منطقه دریایی و به‌طور خاص در خلیج فارس همواره مورد لزوم هستند و موارد استفاده فراوانی در عملیات دریایی دارند. این ویژگی‌ها در محاسبات مربوط به عملیات‌های دریایی برای استفاده در عملیات‌های سطحی، زیرسطحی، مین‌ریزی و عملیات آبی‌خاکی نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای دارند.

علاوه بر موارد فوق ویژگی‌ها و عوامل دیگر هم می‌باشند که در منطقه عملیات دریایی به‌ویژه در خلیج فارس تعیین‌کننده بوده و در دکترین جنگ نامتقارن دریایی ایران منشأ اثر می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱. وضعیت اجتماعی منطقه عملیاتی خلیج فارس و دشمن (شامل جمعیت، فرهنگ، رسانه، طبقات اجتماعی و...); ۲. وضعیت سیاسی منطقه عملیاتی خلیج فارس و دشمن (شامل سیاست خارجی، سیاست داخلی، احزاب سیاسی، گروه‌های فشار و قدرت); ۳. وضعیت اقتصادی منطقه عملیاتی خلیج فارس و دشمن; ۴. وضعیت مذهبی منطقه عملیاتی خلیج فارس و دشمن; ۵. وضعیت روانی حاکم بر منطقه عملیاتی خلیج فارس و دشمن; ۶. وضعیت ترابری و حمل‌ونقل دریایی منطقه عملیاتی خلیج فارس (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۰۸-۱۰۷).

در هر کدام از این بندها به‌طور جداگانه می‌توان واقعتی که بر منطقه عملیاتی خلیج فارس میان ایران و دشمن وجود دارد، به‌صورت مفصل تشریح کرد، اما به‌صورت کلی با توجه به مسائلی که در سطور قبل توضیح داده شد در بسیاری از پارامترها و ویژگی‌های مربوط به این منطقه عملیاتی به‌جز وضعیت اقتصادی و تجهیزات، ایران دست برتر را دارد. جمهوری اسلامی ایران با اتکا به دکترین جنگ نامتقارن در منطقه عملیاتی خلیج فارس، با هم‌افزایی همه این مؤلفه‌ها و سایر مؤلفه‌های دیگر، از ظرفیت آن‌ها در جنگ احتمالی در مقابل قدرت‌های برتر فرامنطقه‌ای بهره خواهد برد.

جنبه‌های تاکتیکی در منطقه عملیاتی خلیج فارس

تاکتیک نیروی دریایی مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌هایی است که این نیرو برای مقابله با ناوگان دشمن در دریا بکار می‌گیرد. هدف از طرح‌ریزی و اجرای آن، کسب پیروزی در نبرد دریایی با حداکثر موفقیت در انهدام قوای دشمن در کنار صرف کمترین هزینه مالی و انسانی قوای خودی است؛ در ادامه به تاکتیک‌های نظامی به‌کارگیری شده در نیروی دریایی اشاره می‌شود:

۱. دید و تیر

الف) دید: عبارت است از مراقبت و نظارت بر منطقه عملیاتی محوله در یک عملیات نظامی به‌منظور زیر نظر گرفتن و کنترل تحرکات نیروی دشمن (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). در منطقه عملیاتی

دریایی، در مناطقی که جزیره وجود دارد، دید بر منطقه از طریق ارتفاعات بر آب‌های اطراف ایجاد می‌شود؛ اما اتکا اصلی دید و دیده‌بانی در دریا، بر روی شناورهای گشتی در صحنه و تجهیزات الکترونیکی و فیزیکی موجود در آن‌ها است. عمده در منطقه عملیات دریایی از طریق مراکز راداری و سوناری یا سیستم‌های کنترل آتش، موشکی و توپخانه‌ای صورت می‌گیرد (همان).
 ب) تیر (میدان تیر / میدان آتش): عبارت است از میزان تأثیر منطقه عملیات بر آتش‌های مستقیم و غیرمستقیم. در منطقه عملیات دریایی (به جز در منطقه وجود جزایر) محدودیت‌های ناشی از عوارض طبیعی و مصنوعی کمتر است و اغلب موانع خاصی که اثرات آتش‌های مستقیم و غیرمستقیم را زیاد تحت تأثیر قرار دهد، وجود ندارد. لذا در محدوده عمل دریایی، میدان آتش به صورت مستقیم از طریق دید راداری، سوناری و سیستم کنترل آتش، صورت می‌گیرد (همان: ۱۱۵). نیروی دریایی نامتقارن ایران در خلیج فارس به دلیل دارا بودن طیف وسیعی از شناورهای تندرو و کوچک برای اجرای آتش مستمر و سنگین، بیشتر به دید چشمی و نزدیک متکی است و به همین منظور نیازمند بهره‌گیری از سیستم الکترونیکی و یا الکترومغناطیسی نمی‌باشد؛ بنابراین برتری دشمن که برخوردار از سیستم الکترونیکی و الکترومغناطیسی برای ایجاد آتش و تیر است، جبران می‌شود.

۲. اختفاء و پوشش

اختفاء عبارت است از داشتن مصونیت در برابر دید دشمن که شامل پنهان‌سازی نیروها، شناورها، زیردریایی، ادوات و تجهیزات می‌باشد. در منطقه عملیات دریایی، اختفاء به شناورها که ادوات، تجهیزات و نیروها در آن قرار دارند و همچنین وضعیت جوی (مه، گردوغبار) و وضعیت جغرافیای دریایی مانند جزایر، بویه‌ها و اسکله‌ها - که ممکن است دید چشمی را کاهش دهد - متکی است (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). پوشش عبارت است از دورماندن و درامان بودن از اثرات آتش جنگ‌افزارهایی با تیر مستقیم و منحنی دشمن که شامل حفظ نیروها، تجهیزات، ادوات و... می‌گردد. در منطقه عملیات دریایی، پوشش برای پرسنل نظامی متکی به شناورها و زره آن‌ها، پناه گرفتن در استحکامات جزایر، زیر آب رفتن، قرار گرفتن در پناه شناورهای غیرنظامی (تجاری، صیادی، نفت کش و...) استفاده از ارتفاع امواج و... است (دانیالی، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۴).

۳. فرسایشی کردن جنگ

یکی از اصول جنگ نامتقارن (اصل فرسایشی کردن جنگ) - که ترکیبی از استراتژی کلاسیک دریایی و استراتژی جنگ نامتقارن است - می‌باشد. با این اصل می‌توان نتایجی که برای جنگ در نظر گرفته شده را در دسترس داشت. قدرت‌های بزرگ نشان داده‌اند در مواجهه با فرسایشی شدن جنگ توان مقاومت و ایستادگی و روحیه نظامی آنان رو به تحلیل رفته و از انگیزه آنان برای ادامه جنگ کاسته می‌شود. فرسایشی شدن جنگ برای نیروهای کلاسیک با افزایش هزینه‌های جنگی همراه بوده و هزینه‌های تحقق اهداف جنگی و به طبع آن اهداف سیاسی به شدت افزایش می‌یابد؛ مطمئناً این مهم بر روی محاسبات آنان برای شروع و یا ادامه جنگ تأثیر می‌گذارد.

جمهوری اسلامی ایران در شیوه جنگ نامتقارن در خلیج فارس با اتخاذ اصل فرسایشی کردن جنگ، هزینه‌های جنگی طرف متخاصم را در بُعد زمان افزایش داده است. در این اصل مجموعه‌ای از تاکتیک‌های رزمی قدم‌به‌قدم، حاکم بر جنگ نامتقارن شده و در کنار استفاده از ظرفیت‌های محیطی خلیج فارس برای ایجاد ابتکارات جنگی به کار گرفته می‌شود تا حاصل این اقدامات توازن قوا تغییر کند. با توجه به اینکه اصل فرسایشی کردن جنگ ترکیبی از استراتژی جنگ کلاسیک و استراتژی جنگ نامتقارن است، می‌توان با ترکیب آن دو به فرسایشی کردن جنگ برای طرف متخاصم دست یافت. نکته مهم در این اصل ترکیبی بودن آن است که انتخاب هر کدام از آن‌ها به تنهایی و یا در کنار هم نباید منجر به خستگی و فرسودگی بیش‌ازحد نیروهای خودی گردد و این همان کاری بود که صدام در جنگ نفتکش‌ها انجام داد و حجم عظیمی از نیروهای خودی را مستهلک کرده و به کشتن داد.

نمونه‌های موفقیت‌آمیز مقابله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مقابله با استکبار جهانی در آب‌ها و آسمان منطقه یا حوزه خلیج فارس عبارت‌اند از:

الف) جنگ اول خلیج فارس

با توجه به توسعه میدان جنگ هشت‌ساله بین عراق و ایران از خشکی به ساحل و دریا و آماج هدف قرار گرفتن سکوها‌های نفتی جمهوری اسلامی، جنگ نفتکش‌ها، برای هدف قرار دادن توان اقتصادی عراق در خلیج فارس آغاز شد. در اثنای جنگ نفتکش‌ها، آمریکا در حمایت از کشور

عراق، کشتی‌های نفتکش را تحت حمایت قرار داد و حتی در عبور از تنگه هرمز پرچم آن‌ها را تعویض کرد. کشتی بریجتون با حضور ۲۵۰ خبرنگار خارجی برای پشتیبانی تبلیغاتی و عملیات روانی نخستین کشتی‌ای بود که از تنگه هرمز عبور کرد. زمانی که کشتی آمریکایی بریجتون منفجر شد، در حقیقت قدرت نظامی آمریکا در افکار عمومی جهان ضربه خورد (پارساپور، ۱۳۹۰: ۲۵).

ب) جنگ ایران و عراق

از جمله جنگ‌های نامتقارن در دهه‌های اخیری، جنگ ایران و عراق است که دشمن با استفاده از حداکثر منابع مادی و مالی ابرقدرت‌ها و استفاده فراوان از سلاح‌های نامتعارف و با توجه به نامتناسب بودن وضعیت نظامی ایران در مقابل عراق - که تحقق کامل ویژگی‌های جنگ نامتقارن بود - به ایران حمله کرد؛ اما رزمندگان ایران توانستند با استفاده از روحیه شهادت‌طلبی، دشمن را شکست دهند (همان: ۲۲).

ج) جنگ سوریه

در ابتدای خروج داعش، در منطقه شامات، ارتش کلاسیک سوریه وارد عمل شد. این جنگ یک جنگ کلاسیک و دو جبهه‌ای نبود. نیروهای دشمن به صورت پارتیزانی در تمام شهر مخفی شده بودند. شکست‌های نخست ارتش سوریه نیز به خاطر کلاسیک بودن استراتژی نظامی آن‌ها بود. با ورود مستشاران ایرانی به خصوص سردار حاج قاسم سلیمانی به جنگ سوریه، نبرد با داعشیان به شیوه‌های ایرانیان به شکل نامتقارن اداره شد و همین نیز رمز موفقیت جمهوری اسلامی در نابودی تروریست‌های تکفیری در منطقه بود (همان: ۲۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

فرض اساسی ما این است که جنگ احتمالی آینده ایران با یک کشور متخاصم در خلیج فارس، یک جنگ نامتقارن خواهد بود؛ چراکه از حیث مؤلفه‌سنجی‌های مربوط به توان نظامی، کشور ایران نسبت به کشورهای منطقه در شرایط برتری نظامی بوده و بنا به اعتراف استراتژیست‌های نظامی، کشور اول منطقه است؛ بنابراین احتمال درگیری بیشتر با یک قدرت جهانی متصور است که از حیث توانایی نظامی در یک نابرابری با ایران قرار دارد. از این رو رویکرد

به جنگ متقارن در صحنه جنگ احتمالی، شانس پیروزی را حداقل می‌کند. به کارگیری تسلیحات، تجهیزات و فناوری نظامی با رویکرد متقارن نسبت به دشمن در جنگ دریایی در خلیج فارس و تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند منتج به نتیجه‌ای شود که تغییردهنده توازن قدرت با کشورهای متخاصم و قدرت‌های بزرگ باشد؛ زیرا اصولاً این نوع تسلیحات اعم از سطحی، زیرسطحی، موشکی، توپخانه، هواپیما، هوا دریا و ... از جنس سلاح‌هایی است که دشمن نیز در اختیار دارد. در چنین جنگی برنده اصلی جنگ طرفی است که از نظر کمی و کیفی در استفاده از تجهیزات، دست برتر را دارد. با توجه محدودیت‌ها و عدم برابری در تجهیزات، به نظر می‌رسد که اتخاذ رویکرد متقارن امنیتی در خلیج فارس، چندان شانس پیروزی به همراه نداشته باشد؛ بنابراین باید به راهکارهای دیگری تکیه نمود و به واسطه آن‌ها نتیجه جنگ احتمالی را تغییر داد. رویکرد به جنگ نامتقارن توسط ایران نیازمند یک سلسله الزاماتی است که با رعایت این الزامات و هم‌افزا کردن این مؤلفه‌ها می‌توان شرایط صحنه جنگ را به نفع خود تغییر دهد.

پیشنهادهای:

۱. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز از قبیل سواحل، جزایر، عمق، جزر و مد، عوارض طبیعی و مصنوعی، آبراه‌ها، تردد و ... صحنه رزم را از حالت کلاسیک خارج نموده و با تکیه بر کیفیت نیروی انسانی در سازمان رزم خود، نابرابری در نیروی انسانی نسبت به طرف متخاصم را جبران کند.
۲. تجهیزات بومی و ساده، نیازمندی به آموزش را به حداقل رسانده و زمینه برای ساخت نیروی همه‌فن‌حریف که توان انجام کار در چند حوزه در مأموریتی را داشته، افزایش می‌دهد. وجود مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی مختص سرزمین ایران که یک سری ویژگی‌های احساسی و هیجانی را به وجود آورده است، موجب تقویت توان رزم نامتقارن ایران شده است.
۳. وجود ویژگی‌های چون معنویت، برتری روحیه، شجاعت و فداکاری، اطاعت از رهبری، صبر و استقامت، خطرپذیری معقول و مردمی کردن جنگ در سازمان رزم نامتقارن، خلأ نابرابری نیروی انسانی را جبران نموده و بر کیفیت نوع جنگ افزوده است. این نوع

نیروی انسانی متکی به سلاح‌های متعارف بومی بوده و با ایجاد ابتکار عمل و خلاقیت در صحنه جنگ دریایی عملاً ماهیت جنگ را نسبت به الگو مبارزاتی دشمن متفاوت می‌نماید.

۴. در کنار آن مؤلفه‌ها می‌توان با اجرای عملیات‌های ایجابی و بهره‌گیری از تاکتیک‌هایی مانند اختفاء و پوشش و حوزه دید و تیر، صحنه عملیات دریایی را به وسیله انواع عملیات‌های مختلف فرسایشی نمود و هزینه‌های جنگ را برای طرف متخاصم به شدت بالا برد. از جمله عملیات‌های دریایی نامتقارن که می‌تواند در صحنه عملیاتی خلیج فارس کارایی داشته باشد، عملیات‌هایی مانند کمین، توده‌ای، شهادت طلبانه، مین‌ریزی، انسداد کانال و جنگ‌های ترکیبی مثل استفاده از پهپادهای رزمی، موشک‌های سطح به سطح و زیرسطحی و جنگ الکترونیک است.

۵. عملیات ترکیبی از نظر نگارندگان به واسطه استفاده از همه ظرفیت‌های رزمی در یک عملیات، از کارایی و قابلیت بالاتری نسبت به سایر عملیات‌ها برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد الگوی امنیتی مناسب برای رویارویی با یک نیروی کلاسیک در خلیج فارس نیازمند الزامات فوق است که تنها با رعایت آن‌ها می‌تواند یک نیروی نامتقارن اثرگذار برای دفع دشمنان خود سازمان‌دهی کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم
- اژدری، حسین (۱۳۸۶). **ماهیت جنگ نامتقارن**. تهران: خبرگزاری فارس.
- آلسن، جان اندریاس (۱۳۸۴). **جنگ نامتقارن**. ترجمه مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سپاه، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سپاه.
- افروز، رضا. (۱۳۸۲). «ویژگی‌های جنگ نامتقارن». در مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی، ج دوم، اصفهان، دانشکده افسری.
- باویر، حسن (۱۳۹۵). «ژئوپلیتیک خلیج فارس و توهم نامنی منطقه». مرکز مطالعات خلیج فارس.
- بوون، وین، کیو (۱۳۸۳). «ابعاد جنگ نامتقارن». ترجمه محمود فیروزی، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۳، صص ۸۵-۱۲۰.
- بابایی اصل، غلامرضا (۱۳۹۲) «تأثیر معنویت بر جنگ نامتقارن و نقش سپاه در آن». مجموعه مقالات نقش معنویت در جنگ ناهم‌تراز، انتشارات زمزم، صص ۶۷۹-۷۱۲.
- پارساپور، روزب (۱۳۹۰). «جایگاه ویژه نبردهای نامتقارن در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران». ماهنامه خلیج فارس و امنیت، مرکز مطالعات خلیج فارس، صص ۱-۲۱.
- تولایی، محمد (۱۳۸۷). «دکترین صحنه عملیات دفاع مردمی». مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۳۸، صص ۲-۶۵.
- حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۸۶). «بررسی میزان به‌کارگیری شیوه‌های جنگ نامتقارن (ناهم‌تراز) در مقابله با تهدیدات نظامی». فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۲۶، صص ۴-۵.
- حاتمی، احمد (۱۳۹۷). «رونمایی از موشک نقطه زن زمینی و دریایی فاتح مبین». نشریه نمایه دفاع، شماره ۱۱۸، ص ۱
- حاجی‌زاده، علی (۲۰۱۸). «سپاه ایران به موشک بالستیک دریایی مجهز شد». (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۰/۹/۲۱)
- در: <https://ir.sputniknews.com/iran/201810164070476>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). «بیانات در دانشگاه تربیت پاسداری امام حسین (ع)». (تاریخ مشاهده: ۹۷/۷/۲۵)
- در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172>
- دانیالی، سیاوش (۱۳۸۴). «جایگاه جنگ نامتقارن در جنگ دریایی آینده». تهران: مرکز مطالعات و تحقیقاتی ندسا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۳). **لغت‌نامه**، ج ۱۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- دهقان، نبی‌الله و مرادی، شعبان (۱۳۸۸). «تبیین مفهوم راهبرد جنگ نامتقارن و عوامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی جنگ نامتقارن». فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۳۴، صص ۱-۴۴.
- رجب‌زاده، حسین (۱۳۹۲). «تبیین اصول حاکم بر میدان‌های جنگ آینده». مجموعه مقالات نقش معنویت در جنگ ناهمتراز، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ زمزم، صص ۲۲۱.
- رضایانی، مهدی (۱۳۹۲). «بررسی ناهمگونی دفاع در جنگ آینده». معاونت دانش و پژوهش ندسا.
- ساعد، نادر (۱۳۸۵). «ارزیابی دکترین جنگ نامتقارن از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه». مجله پژوهش حقوق سیاست، شماره ۱۹، صص ۸.
- سایت الف (۱۳۹۴). «راهبرد ویژه ایران برای شکست امریکا در جنگ احتمالی». (تاریخ مشاهده: ۹/۸/۹۷) در: <http://old.alef.ir/vdcg379xxak9ut4.rpra.html?278462>
- سایت افکار (۱۳۹۵). «مین‌های دریایی ایران را بیشتر بشناسید». (تاریخ مشاهده: ۹/۸/۹۷) در: <https://www.afkarnews.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4>
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). «امنیت بین‌الملل، فرصت‌ها و تهدیدات فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌الملل معاصر.
- عمید، حسن (۱۳۶۰). «فرهنگ فارسی عمید». تهران: سپهر
- کالینز، جان (۱۳۸۰). «استراتژی بزرگ». ترجمه کوروش بایندر، تهران: وزارت خارجه.
- کالینز، جان (۱۳۷۰). «استراتژی بزرگ اصول و رویه‌ها». ترجمه کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). «ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایران». تهران: نشر نی.
- معاونت آموزش نرسا (۱۳۸۱). «اصول جنگ و توان رزمی». چاپ اول، تهران: مرکز چاپ سپاه.
- معاونت سیاسی ندسا (۱۳۷۶). «گامی به سوی اقتدار». تهران: مرکز چاپ سپاه.
- مکنزی، کنت (۱۳۸۲). «جنگ نامتقارن». ترجمه عبدالمجیدی و محمدتمنایی، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.
- مرادپیری، هادی (۱۳۸۲). «اصول و ویژگی‌های جنگ نامتقارن». در مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی، ج اول، اصفهان، دانشکده افسری.
- مزروعی، حسین (۱۳۸۵). «مدیریت جنگ نامتقارن با تأکید بر نیروی انسانی». فصلنامه علوم نظامی، شماره ۲۶، صص ۴۹-۶۸.
- معاونت دانش و پژوهش ندسا (۱۳۸۸). «شناورهای رزم کرانه‌ای جدید آمریکا». ماهنامه خلیج‌فارس و امنیت، شماره ۹۴، سال دهم، صص ۵۴-۶۴.

فدوی، علی (۱۳۹۱). «در هیچ جا نیستیم اما در همه جا هستیم»، در:

<http://www.jahannews.com/interview/227541/>

قهوه‌چیان، حمید (۱۳۹۴). «ضرورت‌های پرداختن به مسائل حقوقی برنامه‌ریزی و بودجه در زمان جنگ»،

(تاریخ مشاهده: ۹۷/۸/۹) در: <http://defamoghaddas.ir>

نجفی، محمدرضا (۱۳۹۲). «ایران و جنگ نامتقارن آینده». مجموعه مقالات نقش معنویت در جنگ ناهم‌تراز،

پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ زمزم: ۲۹۰-۲۵۳.

Aarregun-Toft. I. (2001), "How the weak win wars: a Theory of Asymmetric conflict", **International security**, Vol 26. pp. 93-128

Bruce, B. (1999), **what is Asymmetric Strategist**, Rand. V. 4, pp.12

Bridges, W. (1997), **Passages, Press Quality Progress**.

Brown, E.M (1997), **Ethnic Conflict and International Security**, Princeton Princeton

Clinton J. Ancker & Michael D, Burke (2003), "Doctrin for Asymmetric warfare", **Military Review**, July-august, pp 2

Hoffman. B. (1999), **Inside Terrorism**, New York: Columbia University Press. University Press.

Pinder, K. (2006), **the world beyond 11 September**, Retrieved from: www.mi2g.com

Kay, Sean (2005), **Global Security in 21st Century**, New York: Roman & Littlefield



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی